

ابعاد تازه‌ای از رسوایی هانتز بایدن منتشر شد

پرونده «بایدن‌ها» زیر ذره‌بین جمهوری خواهان

رسوایی‌های هانتز بایدن، جوان‌ترین فرزند رئیس‌جمهور آمریکا، وارد مراحل تازه‌ای شده و با بالاگرفتن ماجرا، جمهوری خواهان نیز هشدار داده‌اند در صورت کنترل مجدد این حزب بر دو مجلس کنگره، تحقیق و تعقیب قضائی کسب‌وکارهای هانتز بایدن در خارج از ایالات متحده را در دستور کار قرار می‌دهند.

صفحه ۴

سرمقاله

وزارت رفاه



کیومرث اشتریان

وضعیت این روزهای کشور توجهی مضاعف به سیاست‌ها و اقدامات وزارت رفاه (وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی) می‌طلبد. اصولا در چنین هنگامه‌ای بحرانی نقش زیرساخت‌های آماری، رفاهی و تدابیر حمایتی که یک حکومت فراهم کرده است بیش‌ازپیش نمایان است. امید است این نوشتار که با لحن شفافانه و نه ستیزه‌جویانه نوشته شده است، اثربخش باشد و به درمان بخشی از دردهای محرومان بیاید. دعوت می‌کنم از مجموعه مدیریت این وزارتخانه که به توصیه‌های سیاستی که در پی می‌آید، به دیده عنایت بنگرند:

۱- به تعبیر یکی از پیش‌گسوتان حوزه رفاه و تأمین اجتماعی، وزارت رفاه، «وزارت مردم» است؛ یعنی در میان مجموعه سازمان‌های دولتی تنها وزارتخانه‌ای است که مدافع مردم است و دغدغه رفاه توده‌ها را دارد. در دولت‌ها همواره نزاع‌های بخشی-دستگاهی وجود داشته و دارد. در چنین وضعیتی است که وظیفه اصلی وزارت رفاه دفاع از طبقات محروم و متوسط جامعه است و به‌دقت سیاست‌ها و پیشنهادهای دستگاه‌های مختلف را زیر ذره‌بین می‌برد که مبدا تأثیراتی منفی بر این طبقات داشته باشد؛ بنابراین وظیفه تحلیل دائمی سیاست‌ها از حیث فقرزایی و اشتغال‌زایی با این وزارتخانه است. وزیر رفاه و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی («تکاور»؛ به قول آقای احمدی‌نژاد) باید با شدت تمام در درون مجموعه حاکمیتی از سیاست‌های ضد اشتغال و فقرزا جلوگیری کند. متأسفانه در مناسبات درون‌حکومتی وزارت رفاه همواره در میان وزارتخانه‌ها دست فوترتی داشته است. وزیر این وزارتخانه باید همواره در پی بهبود چنین موقعیتی باشد و به‌هیچ‌وجه اهمیت این موقعیت را دست‌کم نگیرد؛ چون بخش مهمی از کار خود را با حفظ یک موقعیت برتر گفتمانی به پیش می‌برد.

۲- کارشناسان بسیاری در این وزارتخانه و در سازمان برنامه و بودجه و در حوزه عمومی وجود دارند که مسلط به حوزه رفاه و تأمین اجتماعی هستند. تجربه ۴۰ساله در دستگاه‌های گوناگون اجرائی به‌خوبی نشان داده است که شاید کمتر حوزه‌ای در کشور باشد که تا این حد از دانش کارشناسی بهره برده باشد. دانش بسیاری در این حوزه در کشور جمع شده است. کافی است این دانش‌ها را مدیریت کنید و وظایف رفوگاهی را در این وضع بحرانی به انجام رسانید؛ که مردم سخت گرفتارند. مدیریت دانش کارشناسی و «سنتر» این دانش‌ها اصلی‌ترین وظیفه شماس‌ست. چرخ‌های سیاست نظام رفاهی کشور را از نو اختراع نکنید، فرصتی برای «تدوین سیاست‌های جدید ن‌دارید. حتی نیاز فوری به لویج جدید هم ندانید که اگر این کار را بکنید، خود را فریب داده‌اید. همه چیز برای خدمت آماده است، به آنها اشاره خواهیم کرد.

۳- داده‌های بسیاری در حوزه رفاهی کشور و درباره نیازهای مردم جمع شده است. اگر خدای ناکرده به دلایل سیاسی نسبت به تلاش‌های صورت‌گرفته درباره پایگاه اطلاعات رفاهی ایرانیان بی‌توجهی شود، خطایی نابخشودنی و بزرگ است. این سامانه

اصلی‌ترین ابزار شماس‌ت، آن را تقویت کنید و گامی بر گام‌های پیش بیفزایید. اولویت امروز شما فقر و نیازمندان و همچنین طبقه متوسط است. برای انجام این مهم آثار نیازمندان مشخص است، بسیاری از نیازمندان اصطلاحا «پشت‌نوبتی» از فقیران و معلولان و زنان سرپرست خانوار و… شناسایی شده‌اند. وظیفه شماس‌ت که در درون دولت گفتمان‌سازی کنید و به تعبیر عامیانه «غوغا به پا کنید» تا تخصیص بودجه‌های لازم انجام شود و سازمان برنامه و بودجه، معاون اول و رئیس‌جمهور را همواره نسبت به این مهم هوشیار نگه دارید. تجربه حیرت‌آور این است که معمولا در زیر آوار آموهی از مشکلات اقتصادی و فراقلمنی‌های سیاسی این هوشیاری در دولت‌ها کم می‌شود. جز شما کس دیگری نمی‌تواند این هوشیاری را پایدار کند. در رژیم‌های باثبات سیاسی و آنجا که دولت از پشتوانه مدنی قوی برخوردار است، وزیر از «شناختن‌های رسانه‌ای» و ابزارهای توده‌ای برای فشار بر دولتی که خود عضوی از آن است، بهره‌برداری می‌کند تا بتواند فضاسازی لازم را برای همراهی و بسیج دستگاه‌های اداری در پروژه‌های رفاهی ایجاد کند.

۴- ابزارهای فناوری اطلاعات به‌سادگی این امکان را فراهم کرده است که بتوانید به صورت میرگی-و کلامجور هرگونه نیاز مردم را برطرف کنید. گونه‌ای از کیف پول الکترونیک می‌تواند یک ابزار مناسب برای خدمات‌رسانی به مردم و پیشگیری از التهاث افزایش ناگهانی قیمت کالاها-یمی مانند روغن، ماکارونی، گوشت مرغ و… باشد. یکی از مدافعان جریان‌بابی‌کیف پول الکترونیک اتفاقا شما باید باشید. لایه مساعدت‌های اجتماعی را با استفاده از کلابرک یا پول الکترونیک توسعه دهید. ابزارهای فناوری اطلاعات برای توسعه آن در دسترس است.

۵- کارهای عمومی (Public Works) که مستلزم به‌کارگیری نیروی کار فراوان و اشتغال‌زا است، ابزار مهمی است. سعی کنید پروژه‌های متوسط و بزرگ ملی را در این راستا با توجه به نظرات کارشناسی شناسایی و با همکاری دستگاه‌های دیگر راه‌اندازی کنید. برای اجرای چنین پروژه‌هایی به سرمایه‌گذاران و سرمایه‌داران فراخوان دهید. در این راه «کار عمومی کشاورزی»، «کار عمومی دیجیتال»، «کار عمومی صنایع غذایی» و… برای طبقات پایین‌جامعه قابلیت اجرائی دارد.

ادامه در صفحه ۴



یکشنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۱ • ۶ شوال ۱۴۴۳ • ۸ می ۲۰۲۲ • سال نوزدهم • شماره ۴۲۷۲ • ۱۲ صفحه • ۱۰۰۰۰ تومان

سیدحسین موسویان در گفت‌وگو با «شرق» از جریان‌هایی می‌گوید که ایده هاشمی‌رفسنجانی را به شکست کشاندد

تحمیل باخت به پروژه‌رابطه با اروپا منهای آمریکا



عکس: Gettyimages

سیدحسین موسویان هفت سال در سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۶ سفیر ایران در آلمان بوده است. دورانی پرفرازونشیب که ماجرای میگونوس و دادگاه آن از پیچیده‌ترین بخش‌هایش است. در این دوران هاشمی‌رفسنجانی درصدد است از آلمان به‌عنوان دروازه ورود به اروپا استفاده کند و موسویان مأمور به این کار می‌شود. مرداد ۱۳۷۱ فریدون فرخزاد در آلمان به قتل رسید و شهریور ۱۳۷۱ حادثه ترور رهبران اکراد ایرانی دررستوران میگونوس رخ داد که این دومی بمبی بود که ساختمان روابط جدید ایران و آلمان را بر لزه در آورد.

با مصیبت‌ها و تلاش‌های شبانه‌روزی بحران مدیریت شد و گسترش روابط ادامه یافت تا جایی که سفر رسمی آقای فلاحیان به آلمان را بعد از حادثه قتل‌های فرخزاد و رهبران اکراد ایرانی در رستوران میگونوس شکل دادیم. همچنین در آن دوران، ایران با میلیاردها دلار معوقات بانکی مواجه شده بود که آمریکا با تمام قدرت مانع استمهال بدهی‌های ایران از سوسی سایر کشورها شده بود و هیچ کشوری از ترس آمریکا قادر به استمهال بدهی‌های ایران نبود. مقامات آمریکا هم رسما اعلام کردند که بدهی‌های ایران شرایط مناسبی به وجود آورده تا کالوی اقتصاد ایران را بشاریم و خفه کنیم. آقای هاشمی هم به من گفت ما روی آلمان و کار شما حساب کرده‌ایم که این بنیست را بشکنید؛ چون برنامه اول باسازی کشور بعد از جنگ قفل شده و باز اگر نشود برنامه دوم هم قفل خواهد شد.

متن و حاشیه

هشدار قبل از بروز فاجعه



علی یرحسین‌لو

وضعیت حمل‌ونقل عمومی در تهران مدام در حال بدترشدن است، به نظر می‌رسد نهادهای مسئول در حاکمیت مانند وزارت کشور و شهرداری هم ایده و برنامه عملی برای تدبیر این وضع ندارند. ادامه چنین شرایطی به معنای در پیش بودن روزهای بحرانی برای شهر و شهروندان است که از حالا باید درباره آن هشدار داد.
اعتراف تلخ رئیس کمیسیون عمران شورای شهر درباره اتوبوس‌رانی پایتخت کویای بخشی از فاجعه است، تشکری هاشمی که خود بیش از ۱۰ سال معاون ترافیکی شهرداری بوده و حالا در شورا نشسته، رسما گفته است که زمانی تهران شش هزارو ۵۰۰ اتوبوس داشت و حالا از دوهزارو ۵۰۰ اتوبوسی که سال قبل به شهردار جدید تحویل داده شد، فقط هزارو ۵۰۰ اتوبوس فعال در شهر داریم. گزارش‌های غیررسمی می‌گوید تعداد واقعی اتوبوس‌های فعال در شهر هشت میلیون نفری فقط هزارو ۳۰۰ عدد است! همین اتوبوس‌ها هم اکثرا فرسوده هستند و نایی برای برداشتن بار عبور و مرور از دوش مردم شهر ندارند.

چرا از این وضعیت رو به احتضار باید نگران بود؟ چون آمارهای پلیس راهور و داده‌های حمل‌ونقلی تهران نشان می‌دهد که ترافیک ماه‌های اخیر در مقابر شهر نسبت به هر چهار سال گذشته بیشتر شده است. همه می‌دانیم که افزایش ترافیک یعنی مصرف بیشتر بنزین و آلودگی بیشتر

محمدرضا عارف در گفت‌وگو با «شرق»:

برای حفظ قداست ما فوق مشکلات را به گردن می‌گرفتم

گروه سیاست: محمدرضا عارف، رئیس بنیاد امید ایرانیان، از جمله افرادی است که به‌صراحت بر پاسخ‌گوییودن مسئولان کشور تأکید دارد و معتقد است «پاسخ‌گویی» مقوله‌ای است که «هنوز برای بسیاری از مقامات جا نیفتاده است». او همچنین می‌گوید…

صفحه ۳

در «شرق» امروز می‌خوانید: وقتی مسئولان از ماکارونی جا ماندند، طرحی برای محدودیت بیشتر دایره خدمات وکلای دادگستری! نماینده حقوقی؛ راه‌حل با مشکل آفرین! و یادداشت‌هایی از ناصر ذاکری، ابوالحسن مختاباد، احمد افروز

بازخوانی تجربه حذف ارز ترجیحی و اصلاح قیمت برای یک کالای اساسی که نتیجه مطلوب در بر نداشت

شکر تلخ

گزارش تیتز یک‌ را در صفحه ۵ بخوانید



روایت احمد غلامی از مکان‌ها و آدم‌ها

این روایت: فرخ نکهدار، حمید اشرف

پلاک ۷۰



گزارش تیتز یک‌ را در صفحه ۵ بخوانید

یادداشت روزنامه‌نگاران

آینده ونان مردم



علی معظمی

با گذشت چند روز از افزایش چندبرابری قیمت آرد طلیعه اثراتش بر بازار مواد غذایی محسوس است و البته هنوز موج گرانی‌هایی که وعده می‌دهند، نرسیده؛ اما این سیاست چگونه اجرا شده؟ احسان ارکانی، نماینده نیشابور و عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس، گفته «وزرا حداقل اگر صلاح می‌دانند که باید بدانند، با نمایندگان و کمیسیون‌های تخصصی مجلس باید جلسه بگذارند و ابعاد مختلف موضوعات مهم مثل آزادسازی نرخ نان را که قوت غالب مردم، آن هم قشر پایین و متوسط جامعه است، آنالیز کنیم، اینکه دولت چگونه عمل خواهد کرد، خبر نداییم و دست‌کم به ما چیزی اعلام نشده است» (خبرآنلاین، ۱۶ اردیبهشت). یعنی یکی از شدیدترین کام‌های سیاست ریاضت‌داهن به مردم نه‌فقط در غیاب مداخله و اطلاع ذی‌نفعان اصلی، بلکه بنا بر این ادعا در بی‌اطلاعی همین مجلس برداشته شده. باوجوداین چهره‌های رسانه‌ای راست‌گرا از اصلاح‌طلب و اصولگرا در خارج و داخل ایران از موضعی جزمی از لازم‌الاجرا بودن چنین سیاستی با وجود هر پیامدی که داشته باشد، می‌گویند.

برخی از این نویسندگان که پیش‌ازاین داعیه دموکراسی‌خواهی هم داشته‌اند، گویی برای‌شان مسلج است که پیشگاه «بازار» جای این فانتزی بازی‌ها نیست. فضای رسمی سال‌هاست که از همه سو برای اجرای این سیاست‌ها آماده می‌شود و یوزبسیون و ایوزبسیون «موجه» برایش تبلیغ می‌کنند.ایوزبسیونی‌که درلزم‌اجرای چنین سیاست‌هایی هیچ تردیدی ندارد، همان است که در برابر افزایش نقدینگی نیز (به گزارش ایرنا فقط ۳۹٫۷ درصد طرف یک سال گذشته!) هیچ پرسنی ندارد؛ اینجا با فروتنی سواد اقتصادی‌اش نمی‌رسد و نمی‌خواهد هم بداند که این روند عظیم خلق پول که کاملا خارج از دستان مردم است، چگونه و به چه منظوری رخ می‌دهد؛ ولی می‌داند که چاره‌ای جز «واقعی‌کردن قیمت‌ها» نیست.این یابنهایی‌گزیدن سیاسی تا تجاسست که برخی می‌گویند اصلا فرقی نمی‌کند چه دولتی بر سر کار باشد. این سیاست‌ها باید اجرا شوند. قاعدتا کسی که در برابر کیستی و سوگیری عامل سیاسی می‌تفاوتی ابراز کند، نباید جدی گرفته شود؛ ولی به یمن زست‌بوم گلخانه‌ای سیاست در ایران همچنان می‌تواند «تحلیلگر» معرفی شود. حال ببینیم گذشته از تبلیغاتی که دیگران می‌کنند، خود مجربان چه چشم‌اندازی برای اقدام‌شان ارائه می‌دهند؟ ابراهیم صیاهی، مدیرکل آینده‌پژوهی، مدل‌سازی و مدیریت اطلاعات اقتصادی وزارت اقتصاد، گفته است: «براساس استاندارد مصرفی خانوارها و تغییر قیمت نان، یارانه مستقیم نان به همه مردم پرداخت می‌شود. […‌ مزیت این کار این است که افرادی که بیش از الگو مصرف کنند، باید الگوی مصرف را اصلاح یا به قیمت آزاد خریداری کنند. افرادی هم که مصرف آنها کمتر از الگوی استاندارد است، پولی هم برای آنها می‌ماند…» (ایرنا، ۱۵ اردیبهشت). پس، از دید آینده‌پژوه دولت با این کار برای کسانی که به اندازه نان بخورند، پولی هم می‌ماند!البته اینجا کسانی نیستند که برای تأمین‌کاری مجبورند بیش از «الگوی مصرف» نان بخورند. فقط نیم‌نگاهی به قیمت‌های رو به تزاید اقلام حیاتی، اندکی آشنایی با افکار عمومی ونظری به‌عنوان‌های خبری کافی است تا در برابر چیزی که این کنشگران تصمصم گرفته‌اند ببینند و بگویند، حریت کنیم.

روایتی از نسخه‌نویسی الکترونیکی که صدایش خوب بود اما…

نسخه‌هایی برای پیچیده‌نشدن

۸

مراسم کومسای بعد از ۲ سال تعطیلی در اورامان تخت برگزار شد

جشن انجمن عقلا

۸

پشت‌پرده رد پیشنهاد ژاپن سیاه‌بازی به بهانه یک نوشیدنی؟

تیم ملی فوتبال در شرایطی بلیت قطر برای حضور در جام جهانی را رزرو کرده که در حالت معکوس، به جای پیشروی، گرایش به پسرفت دارد؛ این وضعیت برگرفته از اوضاع آشفته فدراسیون فوتبال است؛ نهادی که رئیس آن به صورت موقت عزل شده و اعضای هیئت‌رئسه که ادعای مدیریت بهتری داشته‌اند، حالا برای رسیدن به غنائمی برزرق‌وبرق‌تر به جان یکدیگر افتاده‌اند. اعضای هیئت‌رئسه فدراسیون در تصمیمی نادر در یک جلسه همفکری به این نتیجه رسیدند که شهاب عزیزی‌خادم را به صورت موقت از ستمش عزل کنند تا مجمع فدراسیون درباره بازگشت یا عزل دائمی او تصمیم نهایی را بگیرد. آنها دلیل این کارشان را ۴۳ مورد تخلف عنوان کردند. از آن پس، زمام امور به دست هیئت‌رئسه افتاد و به نمایندگی از آنها، میرشاد ماجدی به عنوان سرپرست عهده‌دار مسائل شده است. شگفت آنکه همین اعضا که مدعی سروسامان‌دادن به اوضاع فوتبال ایران بودند، حالا در وضعیتی مهم گرفتار شده‌اند، یکی از آنها هم که به‌تازگی به دلیل مسائل مالی بازداشت شده و شایعه‌ای به راه افتاده که با کناررفتن او از این جمع، کلا هیئت‌رئسه فدراسیون فوتبال دیگر رسمیت ندارد.

این گزارش را در صفحه ۹ بخوانید

۱۱

ها. اما مشکل بزرگ‌تر و بلندمدت آنجاست که نارسایی و ناکارایی اتوبوس‌رانی و مترو به طور طبیعی و ناگزیر باعث گرایش به استفاده بیشتر و بیشتر از خودروی شخصی می‌شود. چنین تغییری، نه‌فقط زیست‌پذیری امروز تهران، بلکه آینده شهر را هم به خطر خواهد انداخت. نگرانی دوم آنجاست که متضرر اصلی روند افول و نزول مترو و اتوبوس‌رانی، عمدا اقشار ضعیف و کمتربرخوردار هستند که مدیریت شهری قاعدتا باید بیشتر به فکر آنها باشد. نگرانی وقتی بیشتر می‌شود که می‌بینیم اولویت‌بندی‌های مدیریت شهری جدید هم دائما از واقعیت‌ها و نیازها فاصله می‌گیرد: شهرداری به جای حل مسائل عاجل حمل‌ونقل عمومی، به سراغ گسترش معابر و تکمیل اتوبان‌ها با هزینه‌های سنگین تملک و احداث می‌رود که خودرومحروری بیشتر را به دنبال دارد و شورا به جای آنکه منابع انسانی و مالی را مصروف نیازهای واقعی مردم شهر کند، به انگیره‌هایی از جنس حامی‌پروری سیاسی مجال جولان می‌دهد.

اما انحراف از اولویت‌بندی مسئله‌محور و مبتنی بر نیاز، در کنار عوارض تحریم‌های فرسایشی و نیز مشکلات مزمنی که در دو دهه اخیر گریبان‌گیر حمل‌ونقل عمومی تهران بوده، همه یک طرف و سوءمدیریت هم یک طرف! مدیریت می‌کند که به نظر می‌رسد به علت آنکه تخصص کافی ندارد و از کارشناسان هم استفاده نمی‌کند، اساسا متوجه مسائل اصلی شهر نیست و دست‌کم مشهود است که تحرکی برای مسئله‌شناسی و راه‌حل‌یابی ندارد. برای نمونه، در وصف وضع اسفناک اتوبوس‌رانی کافی است به چند واقعیت ناگفته توجه کنیم: هم‌اکنون بالغ بر هزار اتوبوس در پارکینگ‌های شرکت واحد خاک می‌خورند؛ چون راننده‌ای

ادامه در صفحه ۴